

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## تقریرات درس خارج اصول

### حضرت آیت الله سید محمد رضا مدرسی طباطبائی یزدی دامت برکات

دوره‌ی دوم - سال نهم - سال تحصیلی ۹۱-۹۲

جلسه ۳۶ - یکشنبه ۹۱/۹/۱۹

#### نقد و بررسی فرمایش محقق اصفهانی رحمته الله

اگر اشکال محقق اصفهانی صحیح باشد باید در همه جا جریان داشته باشد، چه تکلیف ایجابی باشد و چه تحریمی باشد. فرض کنید مکلفی موظف به پوشاندن خود از نامحرم بوده است و حالت سابقه‌اش ستر بوده است و در ادامه شک می‌کند آیا همچنان ستر باقی است یا خیر، اگر اشکال محقق اصفهانی تمام باشد نباید استصحاب جاری باشد؛ زیرا ستر امری تکوینی است اثر مورد نظر یعنی فراغ از عهده‌ی تکلیف نیز امری عقلی است پس استصحاب نباید جاری باشد، در حالی که گمان نمی‌کنم این محقق بزرگووار یا کس دیگری به این سخن ملتزم باشند؛ زیرا نظیر این مسئله را در نماز قائل شده‌اند. اگر کسی در نماز دارای ساتر بود و شک کند آیا ساتر او از بین رفته است یا خیر، لازم نیست دوباره احتیاط کند و می‌تواند به همان ستر قبلی اکتفا کند. در جانب حرمت نیز این گونه است؛ هنگامی که مولا دستور می‌دهد مثلاً لباس خارجی بر تن نکنید و حالت سابقه‌اش فاقد لباس خارجی باشد و در لباسی که قصد استفاده دارد شک کند که آیا داخلی است یا خارجی، از آنجا که حالت سابقه‌اش ترک لباس خارجی بوده است وقتی شک در تبدل این حالت پدید آید استصحاب تارکیت پوشش لباس خارجی جاری خواهد بود.

نکته‌ی این مسئله آن است که متعلق امر و نهی در اختیار مولا می‌باشد و مولا می‌تواند در متعلق امر و نهی خود تصرف کند و آن را کم و زیاد کند و مکلف که منهی عنه را ترک می‌کند یا مأمور به را می‌آورد بما هو امرٌ تکوینی این کار را انجام نمی‌دهد بلکه بما هو متعلقٌ لأمر المولی او متعلقٌ لنهی المولی اتیان می‌کند، لذا

جریان استصحاب در آن بلامانع است؛ زیرا موضوع در آن تکوینی نیست بلکه بما هو مأمور به یا منهی عنه یک امر شرعی محسوب می‌شود و این بیان جاری است حتی اگر متعلق نهی اول وجود طبیعت باشد. لهذا اشکال محقق اصفهانی بر مرحوم آخوند<sup>علیه السلام</sup> وارد نخواهد بود.

### **تنبیه پنجم: جریان برائت در مستحبات و مکروهات**

آیا همان‌گونه که ادله‌ی برائت در محرّمات و واجبات جریان دارد و لزوم احتیاط را برمی‌دارد در مستحبات و مکروهات هم جریان دارد؟

مثلاً شک می‌کنیم آیا دعاء عند رؤیة الهلال مستحب است یا خیر؟ آیا می‌توانیم به ادله‌ی برائت تمسک کنیم و بگوییم استحبابی ندارد.

در بررسی این مسئله دو مرحله را در نظر می‌گیریم:

۱- مستحب و مکروه استقلالی، ۲- مستحب و مکروه ضمنی.

#### **الف: مستحب یا مکروه استقلالی**

از آنجا که ادله‌ی برائت یا امتنانی هستند و یا ظاهر آنها رفع عذاب است و یا بیان عدم حرمت عند الشک در حلیت و حرمت می‌کند، شامل مستحبات و مکروهات مستقله‌ی مشکوکه نمی‌شود.

به عنوان مثال اگر در استحباب دعاء عند رؤیة الهلال به عنوان یک مستحب مستقل شک شود، نمی‌توانیم به ادله‌ی معروف برائت رجوع کنیم؛ زیرا مثلاً حدیث رفع در مقام امتنان است و برای رفع وجوب احتیاط ذکر شده است در حالی که امر مستحب، سنگینی بر دوش امت ندارد تا در رفع آن امتنان وجود داشته باشد و نمی‌توان نیز استحباب احتیاط در مستحب را برداشت به دلیل آن‌که اساساً ادله‌ی برائت رافع استحباب احتیاط نیست بلکه رافع وجوب احتیاط است. بنابراین مثل «رُفِعَ مَا لَا يَعْلَمُونَ» کاربردی در نفی استحباب استقلالی مشکوکات ندارد.

همچنین ادله‌ای مانند ﴿وَمَا كُنَّا مَعْدِبِينَ نَبِئْتُ رَسُولًا﴾ یا ﴿مَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ قَوْمًا...﴾ ظهور در این دارند که ما بدون بیان، عذاب نخواهیم کرد در حالی که در ترک مستحبات عذاب وجود ندارد تا با این آیات برداشته شود. چنانکه حدیث حلیت نیز در ما نحن فیه کاربرد ندارد؛ زیرا حدیث حلیت می‌فرماید آنچه در آن حلال و حرام وجود دارد و امر آن دائر بین الزام و عدم الزام است الزام از آن برداشته می‌شود (فهولک حلال حتی تعرف الحرام منه بعینه) و نهایت شامل مشکوک الوجوب شود اما شامل مستحب و مکروه نخواهد شد.

بنابراین ادله‌ی معمول برائت نمی‌تواند در نفی استحباب یا کراهت استقلالی مورد رجوع قرار گیرد.

آری، اگر استصحاب را در اثبات براءت کافی دانستیم می‌توانیم نظیر آن استصحاب را در مستحبات جاری سازیم و بگوییم زمانی که شارع همه‌ی احکام را تشریح نکرده بود دعا عند الرؤیة استصحاب نداشت و اکنون شک در آن داریم، استصحاب عدم جعل استصحاب جاری خواهد بود و این استصحاب نمی‌تواند معارض با استصحاب عدم جعل اباحه باشد؛ زیرا اباحه قطعاً جعل شده بوده است به دلیل تدریجی بودن احکام و می‌دانیم در ابتدای جعل احکام، برای دعای عند رؤیة الهلال اباحه جعل شده بوده است، لامحاله استصحاب عدم جعل استصحاب و حتی استصحاب اباحه‌ی سابقه جاری خواهد بود. بلی با توجه به اخبار مَنْ بَلَغَ رجحان ما بَلَغَ علیه الثواب باقی است و نمی‌توان حتی با استصحاب عدم استصحاب، رجحان عملی را برداشت؛ زیرا اخبار مَنْ بَلَغَ به حسب فهم عرف حاکم برای استصحاب است.

همین کلام در مکروهات استقلالی نیز جاری می‌شود.

### ب) مستحبات ضمنی

فرض کنید می‌دانیم عملی مستحب است اما نمی‌دانیم یازده جزء دارد یا ده جزء یا ده شرط دارد یا نه شرط؛ مثلاً شک داریم آیا سجده‌ی شکر که مستحب است مشروط به طهارت از حدث است یا خیر؟ آیا می‌توان به ادله‌ی براءت تمسک کرد؟

ادله‌ای که بیان رفع عذاب می‌کنند شامل این مسئله نمی‌شود؛ زیرا وقتی کسی مستحبی را بدون جزء آن اتیان کند عذاب نمی‌شود، ولی از آنجا که رفع این جزئیت برای کسی که در صدد آوردن عمل مستحبی است یک امتنان محسوب می‌شود لذا بعید نیست که مثل حدیث رفع شامل آن بشود؛ زیرا کسی که قصد انجام مستحب را دارد و در عین حال شک در شرط یا جزء زائد کند اگر دلیل «رفع ما لایعلمون» آن را بردارد بر این مکلف منت نهاده است و لامحاله در مقام اتیان مستحب، احتیاط لازم نخواهد بود. بنابراین مثل «رفع ما لایعلمون» می‌تواند رفع جزئیت یا شرطیت در مستحبات کند.

همچنین اگر کسی قائل شد که با استصحاب مفید براءت می‌توان وجوب مشکوک جزء یا شرط را برداشت در ما نحن فیه یعنی مستحبات می‌توانیم با استصحاب عدم تعلق تکلیف استجابی ضمنی، شرطیت و جزئیت شروط مذکور را برداریم و جریان آن بعید به نظر نمی‌رسد، که در مبحث اقل و اکثر ارتباطی از آن بحث خواهیم کرد.

در مکروهات دائر بین اقل و اکثر نیز همین بیان جاری است و می‌توان به مثل «رفع ما لایعلمون» کراهت خصوص اقل را ظاهراً نفی کرد و نیز به استصحاب.

## تنبیه ششم

در بعضی موارد هر چند به حسب اطلاقات ادله می‌توان به برائت و یا استصحاب عدم الزام تمسک کرد و اگر شبهه موضوعیه باشد نیاز به فحص وجود ندارد ولی گاهی در شبهه‌های موضوعیه‌ی مهم نیز بدون فحص نمی‌توان برائت جاری کرد.

به عنوان مثال اگر کسی بخواهد از پشت بام سنگ بزرگی را به پایین پرتاب کند و احتمال عقلاهی می‌دهد انسانی که دارای نفس محترمه است در معرض برخورد سنگ و اتلاف باشد، در این حالت نمی‌تواند بدون فحص با تمسک به برائت اقدام به چنین عملی کند بلکه باید فحص کند و اگر احتمال مذکور به اخطار منتفی می‌شود اخطار کند و سپس عمل کند.

بنابراین اگر گفته شد در شبهات موضوعیه فحص لازم نیست دارای استثناء است؛ یعنی در مواردی که اهتمام جدی شارع به احتیاط است یا باید فحص کند و یا با اخطار مثلاً موضوع را منتفی کند و یا احتیاط کند.

## تنبیه هفتم

مرحوم آخوند در کفایه فرموده‌اند که: «انه قد عرفت حُسن الاحتیاط عقلاً و نقلاً...»<sup>۱</sup> و این حکم استثنائی ندارد، ولکن به نظر ما اینکه احتیاط در همه جا عقلاً حَسَن است سخن درستی است. اما اینکه احتیاط شرعاً همه جا حَسَن باشد متفرع بر آن است که ادله‌ی دالّ بر احتیاط را مفید احتیاط تعبّدی بدانیم، در حالی که با بررسی آن ادله بیان شد که بیش از ارشاد به حکم عقل از آنها استفاده نمی‌شود، البته نمی‌توان نفی کرد که ممکن است روایتی دالّ بر رجحان احتیاط شرعاً و تعبداً باشد اما نیازمند تتبع است، با این حال از ادله‌ای که بررسی کردیم بیش از رجحان عقلی احتیاط استفاده نشد.

در این رجحان عقلی احتیاط، استثنائی ذکر شده است به این صورت که اگر منجر به اختلال در نظام شود رجحان نخواهد داشت، چه اختلال نظام جامعه و چه اختلال نظام زندگانی شخصی.

اما در حقیقت این استثناء یک ترجیح اهمّ در مقام تراحم است؛ یعنی تراحم یک واجب با احتیاط است؛ به دلیل آنکه از یک طرف حفظ نظم در اجتماع واجب است و حفظ روال مقبول زندگی شخصی نیز احتمالاً واجب است و اگر کسی بخواهد این واجب را حفظ کند و در عین حال احتیاط کند در حقیقت مستحب را بر واجب مقدم کرده است و برای آنکه یک حکم محتمل را حفظ کند حکمی که وجوب امتثال آن ثابت بوده است را عصیان کرده است.

---

۱. کفایه الاصول، ص ۳۵۴.

به تعبیر دیگر احتیاطی که مستلزم ترک واجب یا فعل حرامی باشد احتیاطِ مطلوب نخواهد بود. بنابراین چنین سخنی درست است اما با این تعبیر که: احتیاط خوب است مگر آنکه مستلزم ترک واجب یا فعل حرام قطعی یا حتی احتمالی بشود در حالی که دارای اهمیت قطعی یا احتمالی برتر است. همچنین باید توجه داشت اینکه گفته می‌شود احتیاط همه جا راجح است مگر جایی که موجب اختلال نظام شود، به این شکل و با این کلیت از روایات استفاده نمی‌شود بلکه بعید نیست در برخی موارد احتیاط مطلوب نباشد. مثلاً در باب طهارت و نجاست روایتی از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده که: «مَا أَبَالِي أَوْ بَوْلُ أَصَابِي أَوْ مَاءٍ إِذَا لَمْ أَعْلَمْ!»؛ اعتنائی ندارم که آیا بول به من اصابت کرده است یا آب هرگاه ندانم. در حالی که چنین مواردی جای احتیاط است با این وجود حضرت فرمودند: «لَا أَبَالِي» یعنی احتیاط در طهارت و نجاست به گونه‌ای نیست که همواره در هر مرتبه مطلوب باشد و با وجود مثل این روایت، ردحُ حسن عقلی احتیاط می‌شود، مگر اینکه گفته شود حتی این روایت در مقام بیان عدم وجوب احتیاط است نه عدم حُسن احتیاط. همچنین در مورد ذبح و چیزهایی که احتمال می‌تواند بودن آنها می‌رود فرموده‌اند: «... وَاللَّهِ إِنِّي لَأَعْتَرِضُ السُّوقَ فَأَشْتَرِي بِهَا اللَّحْمَ وَالسَّمْنَ وَالْجُبْنَ وَاللَّهِ مَا أَظُنُّ كُلَّهُمْ يُسْمُونَ هَذِهِ الْبَرْبُرُ وَهَذِهِ السُّودَانُ!»؛ با اینکه یقین ندارم متصدیان ذبح همگی تسمیه می‌گویند از باب سوق مسلمین از آنها خریداری می‌کنم. روایات در این باب متعدد است و حتی در روایتی آمده است که شخصی اظهار سختی نسبت به خرید از فروشندگان لابلالی کرد و حضرت علیه السلام فرمودند: «أَتَرَعَبُ عَمَّا كَانَ أَبُو الْحَسَنِ علیه السلام يَفْعَلُهُ؟»؛ آیا مقدس‌تر از امام علیه السلام شده‌ای؟ یا بعضی روایات دیگر که از مجموع آنها به دست می‌آید که بعضی موارد احتیاط مناسب نیست و شرع آن را ردح کرده است. البته به دست آوردن حدود این مسئله نیاز به بررسی تمامی روایات دارد.

### مقرر: سید حامد طاهری

۱. وسائل الشیعة، ج ۳، ص ۴۶۷، ح ۵ (۴۱۹۶).

۲. وَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام عَنِ الْجُبْنِ فَقُلْتُ لَهُ أَخْبِرْنِي مَنْ رَأَى أَنَّهُ يُجْعَلُ فِيهِ الْمَيْتَةُ فَقَالَ أَمِنْ أَجْلِ مَكَانٍ وَاحِدٍ يُجْعَلُ فِيهِ الْمَيْتَةُ حَرْمٌ فِي جَمِيعِ الْأَرْضِينَ إِذَا عَلِمْتَ أَنَّهُ مَيْتَةٌ فَلَا تَأْكُلْهُ وَ إِن لَمْ تَعْلَمْ فَأَشْتَرِ وَ بَعْ وَ كُلْ وَ اللَّهُ إِنِّي لَأَعْتَرِضُ السُّوقَ فَأَشْتَرِي بِهَا اللَّحْمَ وَالسَّمْنَ وَالْجُبْنَ وَاللَّهِ مَا أَظُنُّ كُلَّهُمْ يُسْمُونَ هَذِهِ الْبَرْبُرُ وَ هَذِهِ السُّودَانُ. (وسائل الشیعة، ج ۲۵، ص ۱۱۹، ح ۵ «۳۱۳۸۰»)

۳. مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ سَهْلٍ بْنِ زِيَادٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْجَهْمِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ علیه السلام أَعْتَرِضُ السُّوقَ فَأَشْتَرِي خُفًّا لَا أَدْرِي أَدَكِي هُوَ أَمْ لَا قَالَ صَلَّى فِيهِ قُلْتُ فَالْتَعَلُّ قَالَ مِثْلَ ذَلِكَ قُلْتُ إِنِّي أَضِيقُ مِنْ هَذَا قَالَ أ تَرَعَبُ عَمَّا كَانَ أَبُو الْحَسَنِ علیه السلام يَفْعَلُهُ. (وسائل الشیعة، ج ۳، ص: ۴۹۳، ح ۹ «۴۲۶۸»)